

Analysis of important challenges and obstacles in the Mahdavi government with an emphasis on the narratives of interpretation of the verses of the Holy Quran

Dr. Sayyed Ziaoddin Olyanasab ¹

Dr. Morteza Abdi Chari ²

Mastane Rajabi ³

Abstract

The universe and the movement of the cosmos revolve around the existence of the unique savior, whose appearance has been promised by God and the infallibles (PBUT) in the end times. All heavenly religions have heralded the emergence of this divine figure, who is destined to transform a world filled with oppression into one of justice and equity. Naturally, their appearance will entail numerous risks and challenges, which could pose significant obstacles to establishing the global government of Imam Mahdi (PBUH). A fundamental question arises: which of these challenges does the Holy Quran highlight in relation to the establishment of a global government? Furthermore, which verses have the infallibles (PBUT) interpreted in connection with these challenges? Through descriptive-analytical research, it appears that understanding these events and challenges is essential for the followers awaiting the Imam. The findings indicate that some of these events will create considerable disturbances for the Imam, disrupting the process of emergence and governance. The Holy Quran, along with its interpretive traditions, points to three major challenges, including the emergence of Sufyani, mentioned in 11 verses, and the emergence of Dajjal, addressed in 5 verses. Related hadiths have also interpreted these verses concerning these two events. The third challenge, which has always been a concern for the infallibles (PBUT) and their companions, is the issue of the occultation of Imam Mahdi (PBUH). Over eleven centuries have passed since his occultation, during which many people have neither seen him nor interacted with him. This situation has made it difficult for many to recognize and pledge allegiance to him. One of the main challenges in this context is the prolonged occultation of the Imam and the resulting forgetfulness regarding his memory in people's minds. In traditions, recognizing and introducing the Imam is presented as the most critical challenge, with infallibles (PBUT) interpreting a verse concerning this issue.

Keywords: Imam Mahdi (pbuh), challenge, interpretative traditions, Sufani, Dajjal

-
1. Associate Professor of Department of Quran and Hadith Sciences, hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran (Responsible Author)
 2. PhD in Quranic and Hadith Sciences, Researcher of the Institute of Islamic Sciences and Culture Qom, Iran
 3. Graduate of Masoumieh Seminary Institute of Higher Education, Qazvin, Iran

تحلیل و بررسی چالش‌ها و موانع مهم، در ایجاد حکومت مهدوی با

تأکید بر روایات مفسره آیات قرآن کریم^۱*

سید ضیاءالدین علیان‌سب^۲

مرتضی عبدی چاری^۳

مستانه رجبی^۴

چکیده

جهان هستی و گردش گیتی، همه برمدار وجود یگانه منجی‌ای است که خدا و معصومین علیهم‌السلام وعده ظهورش را در آخر الزمان داده‌اند. در همه ادیان آسمانی به ظهور این انسان الهی بشارت داده شده است؛ تا جهان آکنده از ستم را به عدل و داد برساند. طبیعی است که ظهور ایشان مخاطرات و دشواری‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت و این مخاطرات می‌تواند چالش زیادی برای برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه ایجاد کند. پرسش اساسی این است که قرآن کریم به کدام یک از این چالش‌ها در ایجاد حکومت جهانی اشاره کرده است؟ و حضرات معصوم علیهم‌السلام کدام آیات را به آن چالش تاویل برده‌اند؟ با بررسی انجام شده از طریق روش توصیفی - تحلیلی به نظر می‌رسد شناخت این حوادث و چالش‌ها برای منتظرین حضرت؛ بسیار لازم و ضروری است. یافته‌ها حاکی از آن است که برخی از این حوادث مزاحمت‌های زیادی برای امام ایجاد می‌کند و روند ظهور و برپایی حکومت را مختل می‌سازد. قرآن کریم، با کمک روایات تفسیرکننده‌اش، به سه چالش مهم اشاره دارد؛ از جمله خروج سقیانی، که در ۱۱ آیه ذکر شده، و خروج دجال، که در ۵ آیه به آن پرداخته شده است. احادیث مرتبط نیز این آیات را به دو حادثه مذکور تاویل برده‌اند. چالش سوم که همواره دغدغه حضرات معصومین علیهم‌السلام و اصحاب آنان بوده، موضوع غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه است. بیش از یازده قرن از غیبت آن حضرت می‌گذرد و بسیاری از انسان‌ها ایشان را ندیده و با ایشان معاشرت نداشته‌اند. این امر باعث شده است که شناخت و بیعت با آن حضرت برای بسیاری دشوار باشد. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، طولانی شدن غیبت امام و فراموشی یاد ایشان در ذهن مردم است. در روایات، شناخت و معرفی امام به عنوان مهم‌ترین چالش مطرح شده و حضرات

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۶

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه سطح چهار با عنوان «اعتبارسنجی سندی و تحلیل دلالتی روایات تفسیری آیات حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالیه» است.

۲. دانشیار دانشگاه حضرت معصومه علیها‌السلام قم، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه مهدویت پژوهی پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (m.abdichari@isca.ac.ir).

۴. دانش‌آموخته آموزش عالی حوزوی معصومیه قزوین، ایران (m.ragabi4840@gmail.com).

معصومین علیهم السلام یک آیه را به این مسئله تأویل کرده‌اند.

واژگان کلیدی

حکومت مهدوی، چالش، روایات تفسیری، سفیانی، دجال، غیبت.

مقدمه

فرهنگ فارسی معین، «چالش» را برگرفته از لغت «چال» به معنی گودال، آشیانه مرغان، عمیق ذکر می‌کند و برای «چالش» نیز سه معنا برمی‌شمارد: ۱. رفتن با ناز و خرام، جولان؛ ۲. مباشرت، جماع؛ ۳. زد و خورد، جنگ و جدال و سپس فعل «چالش کردن» را به «زد و خورد کردن» و «جنگ و جدال کردن» معنا می‌کند (معین، ۱۳۶۴ ش: ج ۱، ۱۲۶۹).

اما لغت نامه دهخدا احتمال می‌دهد که چالاک و چالش هر دو از «چال» به معنای رفتار باشند. دهخدا با شاهد آوردن این بیت مولوی که می‌گوید: «چالش است این لوت خوردن نیست این / تا تو برمالی به خوردن آستین»، چالش را به معنای جنگ و جدال، حمله و یورش می‌داند و علاوه بر معانی ذکر شده در فرهنگ معین، تلاش، کشتی و مصارعت را هم ذیل معانی «چالش» ذکر می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ج ۵، ۷۰۳۶) و منظور از چالش در این پژوهش همان آسیب‌هایی است که، بر اثر جنگ یا جدال باعث ممنوعیت و عدم پیشرفت می‌شود.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان محل اتفاق شیعه و اهل سنت می‌باشد. به طور طبیعی این اتفاق مبارک همواره دچار موانع و چالش‌های فراوانی است که روایات حضرات معصومین علیهم السلام و منابع اهل سنت به آنها اشاره نموده‌اند؛ بعضی از این موانع مانند: خروج سفیانی و خسف به بیداء، ندای آسمانی و زمینی که جزء علائم حتمی (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۳۶، ح ۴۲۷؛ کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۸، ۳۱، ح ۴۸۳؛ ابن بابویه، ۱۴۲۹ ق: ج ۱، ۳۰۳، ح ۸۲؛ نعمانی، ۱۳۹۸ ش: ۲۵۷، ح ۱۵).^۱ در منابع شیعه و اهل سنت آمده است و بعضی دیگر مانند: خروج دجال، مرگ و میرها، زلزله و جنگ و آشوب‌های فراگیر، خسوف و کسوف غیرعادی و نابهنگام، بارش باران‌های فراوان، خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان؛ برخلاف عادت، ماه گرفتگی شب بدر ماه رجب، دو بار خورشید گرفتگی در ماه رمضان، ویران شدن دیوار مسجد کوفه، به اهتزاز درآمدن پرچم‌های سیاه از جانب خراسان، آتشی در طول مشرق، آشکار شود و سه روز یا هفت روز در آسمان باقی بماند، ویرانی گسترده در شام و عراق و علائم بسیار دیگر که با تورق

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خُمْسُ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام الْيَمَانِي وَالشُّفْيَانِي وَالْمُنَادِي يَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخُسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِيَّةِ: پنج امر قبل از قیام قائم عليه السلام از نشانه‌های ظهور می‌باشد: صیحه، سفیانی، خسف در بیداء، خروج یمانی و قتل نفس زکیه».

کتاب‌های الفتن ابن حماد، الفتن والملاحم ابن طاووس، الغیبه نعمانی، قصص الأنبياء جزایری، الحاقی سیوطی و... غالب تفاسیر اهل سنت تحت عنوان اشراف الساعه یا علامت غیرحتمی در منابع شیعه؛ قابل مشاهده است. اتفاق دیگر که می‌تواند برای امام چالش برانگیز باشد که در روایات به آن اشاره شده است طولانی شدن غیبت امام و فراموشی یاد حضرت در ذهن مردم است که امام برای حقانیت خود تلاش‌های را انجام می‌دهد. دجال و معاندین هم از جمله چالش‌های مهم آن عصر برای امام خواهد بود.

این چالش‌ها و موانع بسیاری دیگر در منابع مختلف شیعه و اهل سنت آمده است اما در منابع تفسیری شیعه به بعضی از این موانع در قالب روایات حضرات معصومین به آنها اشاره شده است که لازم و ضروری است که بخشی از مهم‌ترین آنها که حضرات معصوم علیهم‌السلام آیه قرآن را به آن حوادث چالشی تأویل برده‌اند بپردازیم تا در صورت رویارویی منتظر با این موانع اولاً آمادگی ظهور علاقه‌مندان بالا برود و ثانیاً شناخت آنها نسبت به حوادث پیش‌رو بیشتر شود.

خروج سفیانی

خروج سفیانی از جمله نشانه‌هایی است که؛ در منابع شیعه و اهل سنت به وفور دیده می‌شود. این حادثه با شرح جزئیات آن در منابع اسلامی آمده است. در متن روایات شیعه به حتمی بودن این حادثه گاهی تصریح نموده‌اند. در مصادر روایی شیعی از مجموع ۱۷ حدیث نقل شده با قید محتوم یا حتم در ۱۳ روایت از سفیانی با قید حتمیت یاد شده است. بر این اساس سفیانی یکی از نشانه‌های حتمی است، در ۵ روایت شیعی که درصدد بیان علائم حتمی است از سفیانی با قید «المحتوم الذی» تعبیر شده است شاید بتوان تواتر حتمیت سفیانی را در روایات شیعی مطرح کرد (علیانسب، نبوی، ۱۳۹۹: ش: ۱۴) بررسی تعداد و مصادیق نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی در روایات شیعی و نقد برخی از آنها (همان). در روایات آمده است: پیش از قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه «سام» خروج می‌کند و با تظاهر بر دینداری - علیرغم خباثت باطنی او - گروه زیادی از مسلمانان را فریب می‌دهد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی را به تصرف خود در می‌آورد. او بر مناطق پنج‌گانه «شام حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق» سیطره می‌یابد و در کوفه و نجف به قتل عام شیعیان می‌پردازد^۱ (سیوطی، ۱۳۹۵: ق: ۸۰؛ متقی هندی، ۱۴۱۹: ج: ۱۱)،

۱. ویل لاهل الارض من شر قد اقترب، ویخسف بغربی مسجدها حتی یخر حائطها، ویظهر ثلاثة نفر بالشام کلهم یطلب الملك: رجل أبقع، ورجل أصهب، ورجل من أهل بیت ابي سفیان، یخرج فی کلب ویحصر الناس بدمشق، ویخرج أهل الغرب إلى

۱۲۷۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق: ۴۸۵).

درباره قتل و غارتی که ایشان در مدت حیات حکومتی اش به وقوع می پیوند؛ روایات هولناک فراوانی از طریق های مختلف نقل شده است: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای می فرماید:

سفیانی به خاطر بغض و کینه و عداوتی که با آل محمد (صلی الله علیه و آله) دارد هرکس را بیابد که نام او محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه باشد به قتل می رساند، تا جایی که افرادش را به شهرها می فرستد و بچه های کوچک و اطفال خردسال را پیش او جمع می کنند و او دستور می دهد تا روغن زیتون را به جوش آورند و آن بچه های کوچک به او می گویند: اگر پدران ما با تو مخالفت می کنند، گناه ما چیست؟ او اعتنا نمی کند و هر کس که آن نام ها را داشته باشد، می جوشاند! (یزدی حائری، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۶۳).

سفیانی پس از تثبیت حکومتش شروع به دشمنی و کینه ورزی نسبت به شیعیان کرده و فجایع وحشت زا و مرگباری را به وجود می آورد؛ به گونه ای که امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

منادی او ندا می دهد که هرکس سر یک تن از شیعیان را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست و در این هنگام همسایه به همسایه حمله برده و می گوید این شخص از شیعیان است پس گردن او را می زند و هزار درهم جایزه می گیرد! (طوسی، ۱۴۱۱ق:

مصر، فإذا دخلوا فتلك أمانة السفیانی، ویخرج قبل ذلك من يدعو آل محمد (صلی الله علیه و آله)، وتنزل الترك الحيرة، وتنزل الروم فلسطين، ویسبق عبدالله عبدالله حتى يلتقي جنودهما بقرقسا على النهر ویكون قتال عظیم. ویسیر صاحب المغرب فیقتل الرجال ویسبی النساء، ثم یرجع فی قیس حتی ینزل الجزيرة السفیانی، فیسبق الیمانی، ویجوز السفیانی ما جمعو، ثم یسیر إلى الکوفة، فیقتل أعوان آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ویقتل رجلا من مسمیهم.

۱. معاشر الناس ألا وإنه إذا ظهر السفیانی تكون له وقائع عظام فأول وقعة بجمص ثم بحلب ثم بالرقعة ثم بقرية سبأ ثم برأس العين ثم بنصيبين ثم بالموصل و هي وقعة عظيمة ثم تجتمع إلى الموصل رجال الزوراء و من ديار یونس إلى اللخمة و تكون وقعة عظيمة یقتل فیها سبعین ألفا و یجرى على الموصل قتال شدید یحل بها ثم ینزل إلى السفیانی و یقتل منهم ستین ألفا و إن فیها كنوز قارون و لها أحوال عظيمة بعد الخسف و القذف و المسخ و تكون أسرع ذهابا فی الأرض من الودد الحدید فی أرض الرجف قال: و لا یزال السفیانی یقتل كل من اسمه محمد و علی و حسن و حسین و فاطمة و جعفر و موسی و زینب و خدیجة و رقیة بغضا و حنق لآل محمد (صلی الله علیه و آله) ثم یبعث فی جميع البلدان فیجمع له الأطفال و یغلی لهم الزيت فیقول له الأطفال: إن كان أبائنا عصوك نحن فما ذنبنا؟ فیأخذ كل من اسمه علی ما ذكرت فیغلیهم فی الزيت ثم یسیر إلى کوفانکم هذه فیدور فیها كما تدور الدوامة فیفعل بالرجال كما یفعل بالأطفال و یصلب علی بابها كل من اسمه حسن و حسین.

۲. كَأَنِّي بِالسُّفْيَانِيِّ أَوْ لِصَاحِبِ السُّفْيَانِيِّ قَدْ طَرَحَ رَحْلَهُ فِي رَحْبَتِكُمْ بِالْكُوفَةِ فَتَنَادَى مُنَادِيهِ مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ [رَجُلٍ مِنْ] شِيعَةِ عَلِيٍّ فَلَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ فَيُثَبِّبُ الْجَاذُ عَلَى جَارِهِ وَ يَقُولُ هَذَا مِنْهُمْ فَيُضْرِبُ غُنْقَهُ وَ يَأْخُذُ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَمَّا إِنْ إِمَارَتَكُمْ يَوْمَئِذٍ لَا تَكُونُ إِلَّا لِأَوْلَادِ النَّبَايَا [وَ] كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى صَاحِبِ الْبُزْفَعِ قُلْتُ وَ مَنْ صَاحِبُ الْبُزْفَعِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْكُمْ يَقُولُ يَقُولُ لَكُمْ يَلْبَسُ الْبُزْفَعُ

حدیفه نیز به نقل از پیامبر ﷺ می‌گوید:

چون لشکر اخیر به زمین «بابل» که جزو سرزمین لعنت شده، [یعنی بغداد است]؛ می‌رسند، بیش از سه هزار نفر را به قتل می‌رسانند و افزون از صد زن را مورد تجاوز قرار می‌دهند و سیصد جوان رشید از قبله منسوب به بنی عباس را می‌کشند، سپس مانند سیل به کوفه می‌ریزند و حوالی آن را ویران می‌سازند. سپس از آن جا بیرون آمده روی به شام می‌آورند. در آن وقت لشکری با پرچم هدایت بیرون آمده لشکر سفیانی را دنبال می‌کنند تا به آنها می‌رسند و تمام آنها را به قتل می‌رسانند. به طوری که یک نفر از آنها را باقی نمی‌گذارند که خبری از آنها برسد! و اسیران و آنچه به غارت برده‌اند، از آنها می‌گیرند. سپس لشکر دوم به مدینه آمده سه شبانه‌روز دست به تاراج می‌زنند و...^۱ (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ۹۵).

از این روی سفیانی در منابع روایی شیعه و اهل سنت، شخصیتی بسیار بسیار خونریز، آدم‌کش و بی‌رحم تصویر شده است (نگاه کنید به ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۱۵؛ مقدسی، ۱۴۲۸ق: ۷۶). همچنین بنابر روایاتی خروج سفیانی، حتمی دانسته شده (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۷۸، ح ۵؛ ۶۸۰، ج ۱ و ۱۵) و در کنار خروج یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء (نعمانی، ۱۳۹۸ش: ۲۵۲)^۲ یکی از پنج نشانه پیش از قیام قائم معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۷۸، ح ۵). همچنین بنابر نقلی از امام رضا علیه السلام، ظهور قائم از جانب خدا حتمی است، و خروج سفیانی هم حتمی است و بدون خروج سفیانی، قائم ظهور نخواهد کرد (حمیری، ۱۳۸۷ش: ۳۷۴، ح ۱۳۲۹). در روایتی از امام صادق علیه السلام هم خروج سفیانی حتمی و در ماه رجب دانسته شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۲). روایتی از امام باقر علیه السلام، حاکی از این است که خروج سفیانی، سید یمانی و سید خراسانی، در یک سال، یک ماه و یک روز واقع

۱. فَيَحْشُوكُمْ فَيَغْرِفُكُمْ وَلَا تَعْرِفُونَهُ فَيَغْمِرُ بِكُمْ رَجُلًا رَجُلًا أَمَا إِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا ابْنُ بَغْيٍ (طوسی، کتاب الغيبة للحجة، ۴۵۰).
 ۲. حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ [یعنی بَغْدَاد] فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ امْرَأَةٍ وَ يَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَ مِائَةِ كَنْشٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَنْخَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرِبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ فَيَخْرُجُ زَايَةُ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَ يَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبْيِ وَ الْغَنَائِمِ وَ يَحُلُّ الْجَيْشُ الثَّانِي بِالْمَدِينَةِ فَيَنْتَهَبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلَالِيهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ...

۲. واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ۲۵۵) و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. (همان: ج ۱، ۲۷۷). ظاهراً منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می‌شود، اما در بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین بیداء معروف است، گرفتار عذاب الهی می‌شوند و به وضعیتی وحشتناک، زمین آنها را در خود می‌بلعد.

خواهد شد و روایات زیاد دیگر که همه با عبارات مختلف خروج این شخص را حتمی دانسته‌اند (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۵۸، ح ۲۰۵ و ۲۰۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۵).

روایات تفسیرگری که به حادثه سفیانی پرداخته است، را می‌توان ذیل ۱۱ آیه مشاهده کرد که به بخشی از حادثه هولناک خروج سفیانی پرداخته است آن آیات عبارتست از:

۱. آیه مهمی که درباره سفیانی و اقدامات او از طریق روایات حضرات معصوم علیهم‌السلام به دست ما رسیده آیه ۵۱ سوره سباء می‌باشد. ذیل این آیه ۱۱ روایت از طریق شیعہ و ۱۴ روایت از طریق اهل سنت^۱ (سیوطی، ج ۲: ۲۴۰-۲۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۱۴، ۳۱۴-۳۱۵؛ اندلسی، ۷۱۰ق: ج ۸، ۵۶۴-۵۶۵؛ بروسوی، ۱۱۱۷ق: ج ۷، ۳۰۹-۳۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۲، ۱۵۷) که تفسیرگر آیه ۵۱ سوره سبا است؛ وارد شده است. این روایات غالباً بیانگر عملکرد سفیانی به عنوان تهدید در زمان قیام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و تهدیدی برای خود آن حضرت آمده است. در انتهای روایت هم این نوید را به مسلمانان می‌دهد که سفیانی به محض روبرو شدن با حضرت در منطقه بیداء از بین خواهند رفت. اما این تهدید هم چنان که از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت می‌باشد؛ یک تهدیدی هم برای جامعه اسلامی می‌باشد که خداوند در ذیل آیه **﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾** (سبا: ۵۱) به کمک راسخان فی العلم از این حادثه مهم پرده برداشته است. فراوانی روایات و بیان آن از طریق منابع مهم شیعہ، در این زمینه جای تردیدی برای این اتفاق و چالش مهم در مقابل حضرت باقی نمی‌گذارد.

از نظر فراوانی روایت مفسره، ۱۱ روایت ذیل آیه ۵۱ سبأ آمده که، یک روایت از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم^۲ (طبرسی، ۵۳۸ق: ج ۸، ۶۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ۹۵؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۰، ۵۲۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق: ج ۱۴، ۳۱۵؛ طبری، ۱۳۷۱ش: ج ۲۲، ۷۳). چهار روایت از امام علی علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۵، باب ۱۸، ح ۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۵۲۸، ح ۸۸۰۱) و یک

۱. سیوطی در تفسیر خود ۱۶ روایت در ذیل این آیه آورده است که همه اشاره به مخاطرات و ازبین رفتن سفیانی دارد.
 ۲. ... وَ يَحُلُّ الْحَيْشُ الثَّانِي بِالْمَدِينَةِ فَيَنْتَهَبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بِلِبَالِهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جَبْرِئِيلَ فَيَقُولُ يَا جَبْرِئِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ صَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَلَا يَقْلِتُ مِنْهَا إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جَهَنَّمَ فَلِذَلِكَ جَاءَ الْقَوْلُ وَ عِنْدَ جَهَنَّمَ الْخَبْرُ الْبَقِيَّةُ فَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا.
 ۳. روایت اول: وَ يَأْتِي الْمَدِينَةَ بِخَيْشٍ جَزَارٍ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى بَيْدَاءِ الْمَدِينَةِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ. روایت دوم: این روایت طولانی به نام خطبه مخزون معرف است در این روایت آمده است: ... وَ خُرُوجُ الشُّفْيَانِي بِرَابِئَةِ خَضْرَاءَ وَ صَلِيبٍ مِنْ ذَهَبٍ أَمِيرُهَا رَجُلٌ مِنْ كُلِّ وَ اثْنَى عَشَرَ أَلْفَ عَتَانَ مِنْ يَحْمِلُ الشُّفْيَانِي مُتَوَجِّهًا إِلَى مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ أَمِيرُهَا أَخَذَ مِنْ بَنِي أُمِيَّةَ يَقَالُ لَهُ خُزَيْمَةُ أَطْمَشَ الْعَيْنِ الشَّعَالِ عَلَى عَيْنِهِ طَرْفَةً يَمِيلُ بِالدُّنْيَا فَلَا تَرُدُّ لَهُ رَايَةً حَتَّى يَنْزِلَ الْمَدِينَةَ فَيَجْمَعُ رَجَالًا وَ نِسَاءً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَيَخْسِفُهُمْ فِي دَارٍ بِالْمَدِينَةِ يَقَالُ لَهَا دَارُ أَبِي الْحَسَنِ الْأُمَوِي وَ يَبْعَثُ خِيلاً فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قَدْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ رَجَالٌ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ بِمَكَّةَ أَمِيرُهُمْ رَجُلٌ

روایت از امام سجاد علیه السلام (ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۲۷۴؛ طبرسی، ۵۳۶ق: ج ۸، ۶۲۱؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۰، ۵۲۱)^۱ و پنج روایت از امام باقر علیه السلام (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۵۳۰-۵۲۹؛ ح ۸۸۰۷؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۰، ۵۲۳)^۲ آمده است. و همه ائمه علیهم السلام آیه قرآن را به دو حادثه و چالش مهم در آخرالزمان تأویل برده‌اند؛ اما روایاتی که مستند به آیه نیستند، در منابع اسلامی به وفور دیده می‌شود؛ که در منابع روایی مانند/الغیبه طوسی و نعمانی و همین‌طور کتاب‌های مرحوم صدوق قابل مشاهده است.

مِنْ غُطَفَاتٍ حَتَّى إِذَا تَوَسَّلُوا الصَّفَائِحَ الْأَبْيَضَ بِالْبَيْدَاءِ يَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ يَخْوُلُ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي قَفَاهُ لِيَنْذِرَهُمْ وَ لِيَكُونَ آيَةً لِمَنْ خَلَفَهُ فَيَوْمِئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَ بَنِعْتُ الشُّفْيَانِي مِائَةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُونَ بِالزُّوْحَاءِ وَ الْفَارُوقِ وَ مَوْضِعٍ مَزِيمٍ وَ عِيسَى بِالْقَادِسِيَّةِ وَ يَسِيرُ مِنْهُمْ ثَمَانُونَ أَلْفًا حَتَّى يَنْزِلُوا الْكُوفَةَ مَوْضِعَ قَبْرِ هُودٍ بِالنَّخِيلَةِ... (حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، ۱۹۵-۲۰۲، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ۲۷۳-۲۷۵، باب ۲۵، ح ۱۶۷ و ج ۵۳، ۷۷-۸۷، ح ۸۶). روایت سوم: کَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَوْ شِئْتُ لَسَمَّيْتُهُ وَ وَصَفْتُهُ وَ ابْنُ كَمْ هُوَ قَبِيعَتٌ جَبِيشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَسْرِفُونَ فِيهَا فِي الْقَتْلِ وَ الْقَوَاجِشِ وَ يَهْرُبُ مِنْهُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي رَكِي نَقِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَذْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ إِنِّي لِأَعْرِفُ اسْمَهُ وَ ابْنُ كَمْ هُوَ يَوْمِئِذٍ وَ عَلَامَتُهُ وَ هُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ الَّذِي يَقْتُلُهُ ابْنُكَ بَرِيدٌ وَ هُوَ الثَّائِرُ بِدَمِ أَبِيهِ فَيَهْرُبُ إِلَى مَكَّةَ وَ يَقْتُلُ صَاحِبَ ذَلِكَ الْجَبِيشِ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي رَكِيًّا بَرِيًّا عِنْدَ أَخْبَارِ الرِّيَاسِ ثُمَّ يَسِيرُ ذَلِكَ الْجَبِيشُ إِلَى مَكَّةَ وَ إِنِّي لِأَعْلَمُ اسْمَ أَمِيرِهِمْ وَ عِدَّتَهُمْ وَ أَسْمَاءَهُمْ وَ سِمَاتِ خِيُولِهِمْ فَإِذَا دَخَلُوا الْبَيْدَاءَ وَ اسْتَوَتْ بِهِمْ الْأَرْضُ خَسَفَ اللَّهُ بِهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۷۴۹-۷۷۶؛ بحرانی، غایة المرام، ج ۲، ۱۰۷، ح ۵؛ الخامس والأربعون. روایت چهارم: إِذَا نَزَلَ جَيْشٌ فِي طَلَبِ الَّذِينَ خَرَجُوا إِلَى مَكَّةَ فَنَزَلُوا الْبَيْدَاءَ خَسَفَ بِهِمْ وَ بَنَادِيهِمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ... (ابن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ۷۶، الباب الخامس و الستون و المائة، متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ۲۸۴-۲۸۵، ح ۳۱۵۳۸؛ مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ۲۰۳).

۱. «قَالَ أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِي: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ الْحَسَنَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ يَقُولَانِ: هُوَ جَيْشُ الْبَيْدَاءِ يُؤْخَذُونَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ».

۲. روایت اول: ...فَيَدْعُو النَّاسَ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْبَيْدَاءِ فَيَخْرُجُ جَيْشَانِ لِلشُّفْيَانِي فَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَرْضَ أَنْ تَأْخُذَ بِأَقْدَامِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ... روایت دوم: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ قَالَ مِنَ الصَّوْتِ وَ ذَلِكَ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَوْلُهُ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ قَالَ مِنَ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ خَسَفَ بِهِمْ. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۵؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۲۹، ح ۸۸۰۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۵۲۳. روایت سوم و چهارم با کمی تفاوت در نقل: هُمْ وَ اللَّهُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ الشُّفْيَانِي فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَتَأْخُذُ بِأَقْدَامِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۶۹۲؛ مشهدی قمی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ص ۳۷۱-۳۷۲ و ج ۳، ص ۱۲۹. روایت دیگر عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۵۶-۶۱، ح ۴۹؛ الغيبة للنعمانی، ص ۱۸۲، ح ۲۰؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۸۵-۶۸۹، ح ۴۲۷۳ و ج ۴، ص ۲۲۵، ح ۸۰۳۸. روایت پنجم: ...فَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سَنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الزَّيَّاتِ مِنْ عَدُوِّهِ وَ لَا يَسْمَى أَحَدًا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْبَيْدَاءِ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ الشُّفْيَانِي فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَيَأْخُذُهُمْ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ... عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۵۶-۶۱، ح ۴۹؛ نعمانی، الغيبة للنعمانی، ص ۱۸۲، ح ۲۰؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۸۵-۶۸۹، ح ۴۲۷۳ و ج ۴، ص ۲۲۵، ح ۸۰۳۸.

۲. سوره یس آیه ۳۴ در این آیه یک روایت به نقل از امام سجاد علیه السلام آمده است که حرکت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مدینه حرکت کردند و به قادسیه رسید و سپس در کوفه متوجه بیعت کوفیان با سفیانی می شوند؛ بیان می کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۸۷، باب ۲۷، ح ۲۰۴؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۶ق: ۱۰۱).

۳ و ۴. سوره توبه آیه ۳۳ و سوره صف آیه ۹ که در یک آیه مشترک هستند.^۲ در این روایت این آیه را به آخرالزمان تأویل برده و یکی از نشانه های خروج و ظهور امام مهدی علیه السلام را؛ خروج سفیانی و فرو رفتن آنها در زمین تأویل برده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶؛ طبرسی، ۱۴۲۱ق: ۴۶۳؛ اربلی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۵۳۴؛ با کمی تفاوت ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۱۳۵-۱۱۳۳).

۵ و ۶. در سوره نحل هم ائمه عظام ذیل سه آیه به مسئله سفیانی پرداخته و آیات را تأویل برده اند. در ذیل آیه ۳۸ این سوره فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام درباره خروج سفیانی سوال می کند و امام می فرماید: هرگاه چنین شد برایت خواهم نوشت. عرض کردم: نشانه نامهات را برایم بفرما [یعنی چگونه بدانم که آن نامه از شماست؟] فرمود: فلان علامت و فلان نشانه را برایت خواهم نوشت! و آیه ای از قرآن را تلاوت فرمود. فضیل گفت: آن آیه ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا﴾ (انعام: ۱۰۹) بوده است (عیاشی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ۲۶۰، ج ۲۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۴۲۱-۴۲۲، ح ۲۵؛ طبری، ۱۳۸۳ش: ۲۴).^۴

آیات بعدی که در این سوره توسط امام صادق علیه السلام به رویارویی یاران امام در منطقه بیداء و

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ يَقْتُلُ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْأَجْفَرِ وَ يَصِيبُهُمْ مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ قَالَ فَيُضْجَوْنَ وَ قَدْ تَبَتَّ لَهُمْ ثَمَرَةٌ لَا يَكُونُ مِنْهَا وَ يَتَزَوَّدُونَ مِنْهَا وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى شَأْنُهُ وَ آيَةُ لَهُمْ الْأَرْضُ الْمَبِيتَةُ أَخْبَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا قِمْنُهُ لَا يَكُونُونَ ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْقَادِسِيَّةِ وَ قَدْ اجْتَمَعَ النَّاسُ بِالْكَوْفَةِ وَ بَايَعُوا السُّفْيَانِيَّ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

۲. سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّغْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ حَرَابٌ إِلَّا عَمَرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصْلِي خَلْفَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ انْكَتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ قِيلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعَدْلِ وَ اسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالْإِمَاءِ وَ انْزَكَّابَ الزَّيْنَاءِ وَ أَكَلِ الزَّيْنَاءِ وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الشَّامِ وَ الْيَمَنِ مِنَ الْيَمَنِ وَ خُسِفَ بِالتَّبِيدَاءِ وَ قِيلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرَّكْنَيْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ وَ جَاءَتْ صَبِيحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ فِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا...

۳. عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ مَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ كَتَبْتُ إِلَيْكَ قُلْتُ فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ كِتَابُكَ قَالَ أَكْتُبُ إِلَيْكَ بَعْلَامَةً كَذَا وَ كَذَا وَ قَرَأَ آيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ فَقُلْتُ لِفَضِيلٍ مَا تِلْكَ الْآيَةُ قَالَ مَا حَدَّثْتُ بِهَا أَحَدًا غَيْرَ بَرِيدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ زَرَارَةُ أَنَا أَحَدُكَ بِهَا هِيَ «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا» قَالَ فَسَكَتَ الْفَضِيلُ وَ لَمْ يَقُلْ لَا وَ لَا نَعَمْ.

فرورفتن آنها اشاره دارد و دو آیه ۴۵ و ۴۶ سورة نحل^۱ را به عنوان مؤید کلام‌شان ذکر فرمودند (عباشی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ۲۶۱، ح ۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۴۲۹، ح ۶۰۵۲؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۲۱۸).^۲

۷. امام علی علیه السلام با بیان روایتی که ناقل آن اصبح بن نباته است ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همه مردم او را به خاطر طولانی شدن غیبتش فراموش کردند را تأویل آیه ۶ سورة اسراء^۳ می‌داند و می‌فرماید: برای آن نشانه‌ها و علائمی است که خروج سفیانی با پرچم سرخی که سرکرده آنها مردی از قبیله «کلب» است را بیان می‌کند و سپس به مخاطرات سفیانی به عنوان تهدید در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است (حلی، ۱۳۷۰ش: ۱۹۵-۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۲۷۵-۲۷۳، باب ۲۵، ح ۱۶۷؛ ج ۵۳، ۷۷-۸۷، ح ۸۶).^۴

۸. آیه دیگری که توسط امام باقر علیه السلام به سفیانی و لشکر او تأویل برده شده حرف مقطعه «عسق» است (شوری: ۲) که عین را به عذاب و سین را به قحطی و قاف را به قذف و خسف و مسخ تأویل برده و می‌فرماید:

این حادثه در آخرالزمان رخ می‌دهد و برای سفیانی و اصحاب او و مردمی از کلب که سی هزار نفر هستند می‌باشد (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۸۰۴، ح ۹۴۶۷؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۱، ۴۷۵).^۵

۹. امام صادق علیه السلام به مفضل در روایت بسیار طولانی که درباره وقایع آخرالزمان و اقدامات

۱. أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَّرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ.

۲. سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ عَهْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَارَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام ثُمَّ صَارَ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَالزَّمْ هَؤُلَاءِ فَإِذَا خَرَجَ رَجُلٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثَلَاثُمِائَةِ رَجُلٍ وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَامِدًا إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمُرَّ بِالْبَيْدَاءِ فَيَقُولُ هَذَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ خُسِفَ بِهِمْ وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ «أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَّرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ».

۳. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيِّنٍ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا.

۴. وَلِذَلِكَ آيَاتٌ وَعَلَامَاتٌ أُولَئِكَ إِخْصَارُ الْكُوفَةِ بِالرَّصِدِ وَالْعَنْدَقِ وَتَخْرِيبُ الزَّوَايَا فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ... وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ بِرَايَةِ خَمْرَاءٍ أَمِيرِهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي كَلْبٍ وَاثْنَا عَشَرَ أَلْفَ عَنَانٍ مِنْ خَيْلِ السُّفْيَانِيِّ يَتَوَجَّهُ إِلَى مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ أَمِيرُهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ خُزَيْمَةُ أَطْمَشِي الْعَيْنِ الشِّمَالِ عَلَى عَيْنِهِ ظَفَرَةٌ غَلِيظَةٌ يَتَمَثَّلُ بِالرِّجَالِ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَدِينَةَ فِي ذَارٍ يُقَالُ لَهَا ذَارُ أَبِي الْحَسَنِ الْأُمَوِيِّ وَبِنَعَثٍ خَيْلًا فِي ظَلَبٍ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ نَاشٌ مِنَ الشَّيْعَةِ يَغُودُ إِلَى مَكَّةَ أَمِيرُهَا رَجُلٌ مِنْ عَطْفَانَ إِذَا تَوَسَّطَ الْقَاعَ الْأَبْيَضَ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا يَنْجُو إِلَّا رَجُلٌ يَحُولُ اللَّهُ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ لِيَنْذَرَهُمْ وَبُكُونُ آيَةٍ لِمَنْ خَلَقَهُمْ وَبُؤْمِيذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ».

۵. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ حَمَّ حَتْمٌ وَعَيْنٌ عَذَابٌ وَسِينَ سُنُونُ كَسِينِ يَوْشَفٌ وَقَافٌ قَذْفٌ وَخَسْفٌ وَمَسْخٌ بَكُونٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِالسُّفْيَانِيِّ وَأَصْحَابِهِ وَنَاشٌ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ أَلْفٍ يَخْرُجُونَ مَعَهُ وَذَلِكَ حِينَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف بِمَكَّةَ وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۱۱. ابابصیر از خضوع گردن‌ها در آیه ﴿إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱ (شعراء: ۴) از امام باقر علیه السلام پرسید؟ امام در پاسخ فرمود: بنی امیه و پیروان آنها عرض کردم: نشانه این چیست؟ فرمود: توقف آفتاب بین ظهر و عصر، بیرون شدن سینه و صورت مردی در مقابل آفتاب که از نظر حسب و نسب نیز معروف است، تمام این علامت‌ها در زمان سفیانی، ظهور خواهد کرد و در این هنگام خویشاوندان او هلاک خواهند گردید (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۸؛ اربلی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۴۶۰). در ذیل این آیه امام صادق علیه السلام هم روایتی دارد که در ذیل آن به بیان پنج نشانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان فرموده که سفیانی از جمله آنهاست و فرمود که باشندین ندای آسمانی گردن‌های دشمنان حضرت خاضع خواهد شد (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۸، ۳۱۰، ج ۴۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۱۶۶، ح ۷۸۷۲؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ۴۵۶).^۲

در جمع‌بندی باید گفت که حادثه خروج سفیانی براساس لحن روایات تهدید چالش عظیمی است که در ایجاد حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با روبرو می‌شود و این تهدید مهم با اعجاز و کمک خداوند در سرزمین بیداء برطرف خواهد شد.

فتنه دجال

«دجال» در زبان عربی به معنای آب طلا و طلا اندود کردن است و به همین علت، افراد بسیار دروغگویی که باطل را حق جلوه می‌دهند، دجال نامیده می‌شوند.

برخی از نویسندگان مانند: فاروق الموسوی دجال را از علائم حتمی

أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِي بَيْنَ الْجَبَرَةِ وَالْكُوفَةِ وَ يَبْعَثُ الشُّفْيَانِي بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِزُ الْمَهْدِي مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ الشُّفْيَانِي أَنَّ الْمَهْدِي قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يَدْرِيهِ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سَنَةِ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ قَالَ وَ يَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِي الْبَيْدَاءَ فَيَتَنَادَى مُتَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَبْيَدِي الْقَوْمَ فَيُخَسِّفُ بِهِمْ فَلَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ يَحْوِلُ اللَّهُ وَجُوهَهُمْ إِلَى أَفْقِيَّتِهِمْ وَ هُمْ مِنْ كَلْبٍ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آوَوْا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا» الْآيَةُ...

۱. شعراء: ۴.

۲. عَنْ أَبِي بصير قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ قَالَ: سَيَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ فَلْتَمِنْ هُمْ قَالَ بَنُو أُمَيَّةَ وَ شَيْعَتُهُمْ فَلْتَمِنْ هُمْ وَ مَا الْآيَةُ قَالَ رُكُودُ الشَّمْسِ مَا بَيْنَ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ وَ خُرُوجِ صَدْرِ وَ وَجْهِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ يَغْرِفُ بِخَسْبِهِ وَ نَسْبِهِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانِ الشُّفْيَانِي وَ عِنْدَهَا يَكُونُ بَوَازُهُ وَ بَوَازُ قَوْمِهِ.

۳. عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ وَ الشُّفْيَانِي وَ الْحَسَفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الرُّكْبِيَّةِ وَ الْيَمَانِي فَقُلْتُ فَيَذَالُكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَنْ تُخْرَجَ مَعَهُ قَالَ لَا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ تَلَوْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ فَقُلْتُ لَهُ أَيْ الصَّيْحَةُ فَقَالَ أَمَا لَوْ كَانَتْ خَضَعَتْ أَعْنَاقِي أَغْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

شمرده‌اند (موسوی ۱۳۲۷ق: ۲۹۱-۳۰۳؛ طاهری، ۱۳۹۵ش: ۲۷۵). نگارندگان برای یافتن احادیث دجال، تمام منابع شیعه تا سال ۵۰۰ قمری را بررسی کرده‌اند؛ نتوانسته‌اند به حتمی بودن دجال پایبند باشند. منابع نخستین شیعی توجه چندانی به احادیث دجال نداشته‌اند. به حدی که نعمانی حدیثی در خصوص دجال ندارد. در حالی که نخستین کتاب شیعی در خصوص مهدویت است. شیخ طوسی در جایی از وجود دجال در زمان رسول خدا ﷺ سخن گفته است (طوسی، ۱۴۲۱ق: ۳۱۳). در جای دیگر در خبر عامربن واثله، دجال را در کنار سفیانی از ده نشانه قبل از دجال شمرده (همان: ۴۳۶) و در مورد سوم، محشور شدن عده‌ای با دجال را در نفرین ابوذری نقل کرده (همان: ۵۱۸) که تنها خبر عامربن واثله می‌تواند مربوط به آخرالزمان باشد. شیخ صدوق در باب دجال، از نزال بن سیره سوهان نقل کرده که امام علی علیه السلام می‌گوید: «والله ما المسئول عنه باعلم من السائل» یعنی امام علی علیه السلام آگاه‌تر از صعصعه نیست (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۲: ۵۲۶). به نظر می‌رسد محتوای این حدیث منکر بوده و با عقاید شیعه در خصوص عصمت و علم امام علی علیه السلام ناسازگار است.

شیخ صدوق با نقل روایتی از عبدالله بن عمر می‌گوید: اهل عناد چنین روایاتی در مورد دجال را می‌پذیرند، ولی طول عمر و خروج امام در آخرالزمان را نمی‌پذیرند (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۵۲۹) تفسیر قمی دو حدیث (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۹۸)، بصائر الدرجات دو حدیث (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۹۷ و ۱۴۱)، تفسیر عیاشی دو حدیث (عیاشی، ۱۳۸۰ش: ج ۱، ۳۸۴) و کافی سه حدیث (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۷۰) در خصوص دجال. این برخورد نخستین عالمان نامدار در روایات مهدویت به ویژه بی‌توجهی کامل نعمانی و تعبیر شیخ صدوق با روایت دجال نشان می‌دهد؛ روایات دجال در منابع شیعه جایگاه چندانی ندارد (علیا نسب، نبوی، ۱۳۹۹ش: ۱۷). در روایات متعددی برگریزن‌پذیر بودن خروج دجال، به عنوان یکی از رویدادهای آخرالزمان یا نشانه‌های قیامت، تأکید شده است. از جمله در روایتی که امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند، می‌خوانیم:

پیش از ساعت [قیامت] ده رویداد گریزن‌پذیر است: [خروج] سفیانی [خروج] دجال و... (شیخ طوسی، ۱۴۲ق: ۴۳۶، ح ۴۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۲۰۹، ح ۴۸).^۱

در برخی روایات حتمی بودن خروج دجال به مانند حتمی بودن ظهور امام مهدی علیه السلام

۱. عن ابن فضال عن حماد عن الحسين بن المختار عن أبي نصر عن عامر بن واثله عن أمير المؤمنين عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ عشر قبل الساعة لا بد منها السفينان والدجال والدخان والدابة وخروج القائم وظلوع الشمس من مغربها ونزول عيسى عليه السلام وحش بالمشرق وحش بجزيرة العرب وتخرج من قبر عدن تشوق الناس إلى المخش.

دانسته شده و انکار آن کفر به شمار آمده است. از آن جمله می‌توان به روایت نبوی زیر اشاره کرد:

هرکس خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه را منکر شود به آنچه بر محمد نازل گشته، کافر شده است و هر کس نزول عیسی را منکر شود کافر شده و هر کس خروج دجال را انکار کند، کافر شده است (حموئی جوینی، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ۳۳۴، ح ۵۸۵).^۱

دجال، ستمکاری است که در آخرالزمان مردم را گمراه خواهد کرد و در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام مطرح شده است. در روایات فراوانی، از خروج دجال به نشانه‌های ظهور و در برخی دیگر - خصوصاً اهل سنت - از آن به یکی از «اشراط الساعة»^۲ یاد شده است. این نشانه در کتاب‌های اهل سنت، از نشانه‌های برپایی قیامت به شمار آمده است؛ (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ۵۰۷؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۱۱۵). ولی در منابع روایی شیعه از آن به حادثه‌ای که همزمان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رخ خواهد داد، یاد شده است (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۲۵۰).

در مورد اصل «دجال» چند احتمال وجود دارد:

احتمال اول: دجال، نام شخصی معین نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حيله‌گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد، دجال است. این که در روایات از دجال‌های فراوانی سخن به میان آمده است، این احتمال را تقویت می‌کند؛ چه این که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. «قیامت برپا نمی‌شود تا مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندانم قیام کند و

۱. آخرین الشیخ الصالح صدرالدین ابراهیم ابن الشیخ الإمام عمادالدین محمد ابن شیخ الإسلام شهاب الدین عمر بن محمد السهروردی (قدس الله روحه) العزیز، قلت له: أخبرك الشیخ أبو الحسن علی بن عبد الله بن المعین البغدادی إجازة بروایته عن أبي الفضل محمد بن ناصر السلامی إجازة بروایته عن الحافظ أبي محمد الحسن بن أحمد السمرقندی إجازة، قال: حدّثني الشیخ الإمام أبو بكر محمد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب الكلاباذی البخاری رحمته الله، حدّثني محمد بن الحسن بن علی، قال: حدّثنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن أحمد، قال: حدّثنا إسماعیل بن أبي أوكس، قال: حدّثنا مالك بن البیّن، قال: حدّثنا محمد بن المنذر: عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أنكر خروج المهدي فقد كفر بما أنزل على محمد و من أنكر نزول عيسى فقد كفر و من أنكر خروج الدجال فقد كفر، فإن جبرئيل عليه السلام أخبرني بأن الله عز وجل يقول: من لم يؤمن بالقدر خيره و شره فليتخذ رباً غيري.

۲. «اشراط» جمع «شرط» و بمعنای علامت، و «ساعة» به معنای قیامت است. و مقصود از آن علائم و نشانه‌های قیامت می‌باشد، چنانچه در آیه ۱۸ سوره محمد صلی الله علیه و آله آمده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا». اگرچه در بدو امر به نظر می‌رسد ارتباطی بین اشراط الساعة و بحث مهدویت وجود ندارد، اما این دو موضوع به دلایل ذیل به هم مرتبط‌اند: اول: در روایت متعددی از فریقین، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و نزول حضرت عیسی صلی الله علیه و آله به عنوان اشراط الساعة ذکر شده است. دوم: مواردی از قبیل خروج سفیانی، دجال، خسف و... که در منابع اهل سنت به عنوان اشراط الساعة مطرح گردیده، در منابع امامیه به عنوان علائم ظهور قلمداد شده است.

مهدی عليه السلام قیام نمی‌کند تا شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگویند من پیامبرم (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۱؛ طبرسی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۵).

در روایات از دجال و دروغگویان فراوانی نام برده شده است، در بعضی دوازده و در برخی سی و در برخی دیگر، شصت و هفتاد دجال آمده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۲۰۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، ۱۹۸-۲۰۰).

حقیقت داستان دجال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افرادی فریبکار و منافق - که معتقد به نظام‌های پوشالی گذشته و حافظ سنت‌ها و ضد ارزش‌هایند - برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند. ایشان با استفاده از زمینه‌های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حيله‌گری می‌زنند تا آنان را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب و استواری رهروان آن دلسرد و مردد کنند. در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چنین خطری پیش‌بینی شده است؛ و از آن جایی که این انقلاب از همه انقلاب‌های تاریخ، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، خطر فریب‌کاران دجال صفت نیز به مراتب بیشتر و گسترده‌تر است.

احتمال دوم: فردی معین و مشخص با نام «دجال» در دوره غیبت - با همان ویژگی‌هایی که برای وی بیان شده است - خروج می‌کند و مردم را به انحراف می‌کشاند.

«دجال» در این احتمال، نزد اهل یهود شخصی به نام آرمیلوس و نزد مسلمانان «صائد بن صید» خوانده شده است؛ (توفیقی، ۱۳۷۸ش: ۲۶) ولی اهل مسیحیت از دجال به شخصی «دروغگو» یاد کرده‌اند (رساله یوحنا؛ باب ۲، آیه ۱۸ و ۲۲).^۱

طرفداران این احتمال، به روایتی از حضرت علی عليه السلام در جواب اصبع بن نباته استناد می‌کنند که وی از امیرالمؤمنین عليه السلام پرسید: یا امیرالمؤمنین دجال کیست؟ حضرت نیز فرمودند: دجال، صائد بن صائد (صید) است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب کند. از شهری برآید که آن را اصفهان نامند. از دهی که آن را یهودیه گویند (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۲۵۰)^۲ چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش بر پیشانی است و مانند ستاره صبح می‌درخشد. در آن نقطه، علقه‌ای است که با خون درآمیخته است و میان دو چشمش نوشته است: «کافر» (همان: ج ۲، ۵۲۱، ح ۱).

۱. «دروغگو کیست، جز آن‌که مسیح بودن عیسی عليه السلام را انکار کند. آن دجال است که پسر و پدر را انکار کند».

۲. «در پاره‌ای روایات محل خروج او را سجستان ذکر نموده‌اند».

البته وجه جمعی بین این دو احتمال هم، قابل تصور است، مبنی بر این‌که: در احتمال اول بگوئیم آن دجال از نشانه‌های ظهور است و دجال احتمال دوم کسی است که صفت زشتی او، بیش‌تر از دجال‌های دیگر باشد (برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه کنید: نعمانی، ۱۳۹۸ش: ۱۱۳ و ۲۶۳، ح ۸۶؛ صدر، ۱۴۰۲ق: ۵۳۲-۵۳۶؛ طبری، ۲۸۳-۲۹۰ق: ج ۳، ۲۹۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ۵۷۹). احتمالات دیگر هم در روایت‌ها و کتب مختلف وجود دارد که در این نوشتار نمی‌گنجد. در هردو احتمال دجال به عنوان دشمن و تهدید در مسیر تحول امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف معرفی شده است.

در لابه‌لای قرآن کریم هم آیاتی وجود دارد که حضرات معصوم علیهم‌السلام آن آیه را به مسئله دجال تأویل برده‌اند و وجود او را به عنوان یک تهدید برای حکومت جهانی حضرت معرفی کردند. این روایات ذیل ۵ آیه و فضیلت سوره کهف بیان شده است. توضیح روایات:

۱. مرحوم قمی در تفسیر خود با ذکر روایتی از امام باقر علیه‌السلام بیان می‌کند که امام به مناسبت آیه **إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً** از سوره انعام (انعام: ۳۷) منظور از «آیه» را به «دابة الأرض، الدجال، نزول عیسی بن مریم علیه‌السلام، و طلوع الشمس من مغربها» تأویل بردند. این روایت را بسیاری از مفسران در تفسیر خود آورده‌اند و در منابع به وجود دجال با استناد به این روایت بهره جسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۴۱۶؛ روحانی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵ش: ج ۶، ۶۸؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸ش: ج ۴، ۳۲۱).

۲. آیه دیگری که مفسران با کمک روایتی از امام صادق و امام باقر علیهما‌السلام دجال تأویل برده‌اند آیه ۲۱ سوره سجده می‌باشد ایشان کلمه **«الْعَذَابِ الْأَدْنَى»** در آیه را به دابة و دجال تأویل برده‌اند در این تعبیر امام؛ دو اتفاق را معرفی می‌کند که یکی را، عذاب و تهدید برای مومنان در زمان ظهور حضرت دانسته است و به تبع این تهدید مانع بزرگی بر سر راه ایجاد حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام می‌باشد و دیگری کمک برای امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و عذاب و تهدید برای دشمنان امام از جمله دجال و دجال‌صفتان است. این روایت در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه ۲۱ سوره سجده آمده است مفسر محترم بعد از بیان این‌که عذاب ادنی در دنیا خواهد بود؛ بیان می‌کند در این عذاب و چگونگی حادث شدنش اختلافی وجود دارد مثل: «القتل یوم بدر بالسيف» و «ما ابتلوا به من الجوع سبع سنين بمكة حتى أكلوا الجيف والکلاب عن مقاتل» و حدود و عذاب قبر در منابع اهل سنت (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۸، ۵۲۰).^۱

۱. عن أبي جعفر علیه‌السلام و أبي عبد الله علیه‌السلام أن العذاب الأدنى الدابة و الدجال.

روایت دیگری هم با همین مضمون از طریق ابی جارود از امام باقر علیه السلام نقل شده است: که امام علاوه بر دو مورد بالا (دابه و دجال)، عذاب قبر را به آن اضافه کرده است (ابوحمره ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۳)^۱ که لحن روایت همانند آیه یک لحن تهدیدآمیز دارد و از آن جایی که دابه و دجال براساس روایات در آخرالزمان و زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد؛ این تهدیدات مربوط به آن دوره خواهد بود.

البته با بررسی انجام شده این روایت فقط در این چند منبع ذکر شده است و منابع شیعه تأویلات دیگری با استناد به روایات ذیل آیه آورده اند اغلب آنها به رجعت (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۷۰)^۲ و گرانی (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ش: ج ۲، ۲۶۲؛ استرآبادی، ۱۴۰۰ق: ۴۳۷)^۳ و دابه به تنهایی (حلی، ۱۳۷۰ش: ۴۹۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۴۰۱) آمده است.

۳. امام علی علیه السلام در خطبه ای طولانی سه مرتبه فرمود: «سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي» در این هنگام صعصعه بن صوحان از خروج دجال پرسید امام به بیان مخاطرات و عملکرد زشت دجال پرداخت و چگونگی تهدید دجال برای منطقه و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوجود خواهد آورد را بیان فرمودند. سپس اصبغ بن نباته بلند شد و گفت: این دجال چه کسی است؟ امام هر آنچه درباره اسم و رسم و محل زندگی و چهره او بود به ایشان پاسخ دادند و در ادامه فرمود: با صدای بلندی که جن و انس و شیاطین در شرق و غرب عالم آن را می شنوند؛ می گوید: ای دوستان من! به نزد من آئید، من کسی هستم که آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و هدایت نمود (اعلی: ۲).^۵ من پروردگار اعلای شما هستم (نازعات: ۲۴)^۶ در حالی که آن دشمن خدا دروغ می گوید، او یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود. و [حال این که] پروردگار شما یک چشم نیست و غذا نمی خورد و راه نمی رود و زوالی ندارد.

۱. عن أبي حمزة و أبي الجارود، عن أبي جعفر و الإمام الشهيد أبي الحسين زيد بن علي عليه السلام «العذاب الأذني» عذاب القبر و الدابة و الدجال، و «العذاب الأكبر» جهنم يوم القيامة.

۲. و أما قوله: وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ الآية قال: العذاب الأذني عذاب الرجعة بالسيف و معنى قوله: لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ یعنی فإنهم يرجعون في الرجعة حتى يعذبوا.

۳. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَاتِمٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ خُفْصِ بْنِ غَمَزٍ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ مُقْصِلِ بْنِ غَمَزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ قَالَ الْأَذْنَى غَلَاءُ السَّيْرِ وَ الْأَكْبَرُ الْمَهْدَى بِالسَّيْفِ.

۴. عنه، قال: حدثنا الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن مفضل بن صالح، عن زيد، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «العذاب الأذني: دابة الأرض».

۵. الَّذِي خَلَقَ فَسَّوَّى.

۶. فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى.

دجال در این روایت به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنش آیه ۲ و ۳ سوره اعلی را به خود نسبت می‌دهد و خود را خدا معرفی می‌کند. و امام پاسخش را می‌دهند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۵۲۵-۵۲۸، باب ۴۷، ح ۱؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۳۳-۱۱۳۷؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ۸۹-۸۵؛ حلی، ۱۳۷۰ش: ۳۰-۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ج ۴، ۴۹۱ و ج ۹، ۵۸۹ و ج ۱۴: ۱۲۵) همان طور که مشاهده شد در این خطبه به صراحت از تهدید دجال برای مردم زمان حضرت مهدی علیه السلام سخن به میان می‌آورد.

۴. مرحوم طبرسی و به تبع آن چهار روایت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در باب فضیلت خواند سوره کُهِف از طریق شیعه و اهل سنت نقل کرده است:

روایت اول: هرکس سوره «کُهِف» را روز جمعه بخواند، هشت روز در امنیت است، حتی اگر در این هشت روز، دجال ظهور کند، خداوند او را از فتنه وی حفظ کند... (طبرسی، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ۶۹۰).

روایت دوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امنیت از فتنه دجال را به شش روز تقلیل داده است (همان).^۳
روایت سوم: هم خواندن سوره «کُهِف» در روز جمعه موضوعیت دارد و تفاوتش با روایت قبل این است که خداوند این قرائت کننده را کلاً از فتنه دجال نجات خواهد داد (همان).^۴

روایت ۴ و ۵: با الفاظی متفاوت یکی به صورت مطلق می‌گوید هرکس ده آیه از این را بخواند (همان).^۵ و در روایت پنجم ده آیه اول از سوره کُهِف را مطرح نمودند (همان).^۶ که

۱. ... فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدَّجَالِ فَقَالَ لَا إِنَّ الدَّجَالَ صَائِدُ بْنُ الصَّيْدِ فَالْشَّقِيُّ مَنْ صَدَقَهُ وَ السَّعِيدُ مَنْ كَذَّبَهُ يَخْرُجُ مِنْ بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا أَصْبَغَانُ مِنْ قَرْيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ عَيْنُهُ الْيَمْنَى مَمْسُوحَةٌ وَ الْأُخْرَى فِي جَبْهَتِهِ ثُغْيٌ كَأَنَّهَا كَوْكَبُ الصُّبْحِ فِيهَا عِلْقَةٌ كَأَنَّهَا مَمْزُوجَةٌ بِالدَّمِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ يَقْرَأُهُ كُلُّ كَاتِبٍ وَ أُمِّي يَخْوُضُ الْبَحَارَ وَ تَسِيرُ مَعَهُ الشَّمْسُ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبَلٌ مِنْ دُخَانٍ وَ خَلْفَهُ جَبَلٌ أَبْيَضٌ يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ طَعَامٌ يَخْرُجُ فِي قَحْطٍ شَدِيدٍ تَحْتَهُ جِمَارٌ أَقْمَرُ خُطُوهُ جِمَارِهِ مِيلٌ تُطْلَوِي لَهُ الْأَرْضُ مِنْهُلًا مَنُهِلًا وَ لَا يَمُرُّ بِمَاءٍ إِلَّا غَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ يَقُولُ إِلَى أَوْلِيَائِي أَنَا الَّذِي خَلَقْتُ فَسْوَى وَ قَدَّرْتُ فَهْدَى أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ إِنَّهُ الْأَعْوَزُ يَطْعَمُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ إِنَّ رَبَّكُمْ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ بِأَعْوَزَ وَ لَا يَطْعَمُ وَ لَا يَمْشِي وَ لَا يَزُولُ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ غُلُوبًا كَبِيرًا...

۲. ابی بن کعب عن النبی صلی الله علیه و آله قال من قرأها فهو معصوم ثمانية أيام من كل فتنة فإن خرج الدجال في تلك الثمانية الأيام عصمة الله من فتنة الدجال...

۳. عن النبی صلی الله علیه و آله قال من قرأ الكُهِف يوم الجمعة فهو معصوم إلى ستة أيام من كل فتنة تكون فإن خرج الدجال عصم منه.
۴. قال سورة أصحاب الكُهِف من قرأها يوم الجمعة غفر الله له إلى الجمعة الأخرى و زيادة ثلاثة أيام و أعطى نورا يبلغ السماء و وقى فتنة الدجال.

۵. عن النبی صلی الله علیه و آله قال من قرأ عشر آيات من سورة الكُهِف حفظا لم تضره فتنة الدجال و من قرأ السورة كلها دخل الجنة.
۶. النبی صلی الله علیه و آله قال من حفظ عشر آيات من أول سورة الكُهِف ثم أدرك الدجال لم يضره و من حفظ خواتيم سورة الكُهِف. كانت له نورا يوم القيامة.

خواندن آن از ضرر فتنه دجال محفوظ می‌گردد.

نکته جالب این که در همه این روایات در کنار دجال از کلمه «فتنه» استفاده شده است و همین طور در دو روایت آخر علاوه بر کلمه فتنه از کلمه «لم یضره» استفاده کرده است و این نشان می‌دهد که این شخصیت برای جامعه زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار خطرناک است و جامعه آن زمان را دچار چالش فراوانی می‌کند.

اثبات حقانیت خود

با توجه به این که بیش از یازده قرن از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گذرد و بیش تر انسان‌ها آن حضرت را ندیده‌اند و با ایشان معاشرت نداشته‌اند، که با یک نگاه، ایشان را شناخته و با او بیعت نمایند. طولانی شدن غیبت در روایات ما به عنوان یکی از چالش‌های مهم در ابتدای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است. این مسئله پیوسته دغدغه حضرات معصومین علیهم السلام و اصحاب آنها بوده است؛ و ائمه علیهم السلام نسبت به این مسئله واکنش نشان داده و درباره چگونگی شناخت امام و مشکلات حضرت پیش از ظهور بیاناتی فرموده‌اند. مرحوم نعمانی به سبب حساسیت این مسئله در کتاب *الغیبه* بابی را تحت عنوان «باب مایعرف به» به این موضوع اختصاص داده است. این چالش به دو صورت در روایات شیعه آمده است:

صورت اول: طولانی شدن غیبت و آمدن امام در چهره انسانی چهل ساله است به طوری که مردم او را انکار کرده و دعوتش را نمی‌پذیرند. امام صادق علیه السلام در سه روایت این چالش پیش روی امام را معرفی و بیان می‌کند: «اگر امام قیام کند، مردم او را انکار می‌کنند؛ چون وقتی بین مردم برمی‌گردد، به چهره، شخصی جوان است» و در ادامه این چالش را با تعبیر «اعظم البلیه» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: بزرگ‌ترین دشواری امام در زمان خروج، این است که امام به صورت چهره جوان خروج می‌کند و حال این که به حسابگری مردم، او باید بسیار پیر باشد (نعمانی، ۱۳۹۸ ش: ۱۸۸-۱۸۹؛ حلی، ۱۳۷۰ ش: ۴۲۸؛ حائری یزدی، ۱۴۲۲ ق: ج ۱، ۲۴۴).^۱ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که: از فرزندان من آن که نامش قائم است، در ابتدا عمری باندازه عمر حضرت خلیل که یک صد و بیست سال است، عمر می‌کند و تا این مقدار عمر برای مردم قابل درک و پذیرش است. سپس غیبتی دارد که مدت آن درازی روزگار خواهد است و

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَأَنكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَزْجَعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الدَّرِّ الْأَوَّلِ وَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الزَّوَايَةِ أَنَّهُ قَالَ وَ إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا.

پس از آن مدت به قیافه جوان رشید سی و دو ساله ظهور می‌کند، تا آن جا که گروهی از مردم از اعتقاد به او برمی‌گردند... (نعمانی، ۱۳۹۸ ش: ۱۸۹).^۱

صورت دوم: طولانی شدن غیبت و فراموشی یاد امام که از آن تعبیر به موت امام شده است، همان طوری انسان مرده به مرور زمان از اذهان فراموش می‌شود یاد حضرت به همان صورت فراموش می‌شود. این چالش در روایات ما آمده است که امام در زمان ابتدایی قیام‌شان با آن روبرو خواهد شد.

روایت اول: امام صادق علیه السلام فرمود: هشدار می‌دهم! همانا به خدا که امام شما سال‌های سال غایب شود و شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آن جا که بگویند: امام مرد، کشته شد، به کدام دره افتاد ولی دیده اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی‌های گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله روحی از جانب خود تقویتش نموده، همانا دوازده پرچم مشتبّه برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری تشخیص داده نشود (حق از باطل شناخته نشود) (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۱، ۳۳۶، ح ۳).^۲

روایت دوم: امام باقر علیه السلام روایت کرده گوید: آن حضرت به من فرمود: «ای ابا جارود هرگاه زمانه (چندان) بگردد و درباره آن گویند که مرده؟ یا هلاک شده است؟ و به کجا و به کدام سرزمین رفته است و چه شده و جستجوگر او (به خویشتن) گوید: چگونه چنین چیزی شدنی است در حالی که استخوان‌های او نیز پوسیده است، پس در چنین وقتی به امید او باشید و چون شنیدید ظهور کرده است نزد او بروید اگرچه کسان کسان بر روی برف و یخ باشد» (نعمانی، ۱۳۹۸ ش: ۱۱۵۴).^۳

روایت سوم: حماد بن عبدالکریم جلاب گفت: در محضر امام صادق علیه السلام سخن از حضرت

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي بَعْمُرُ عُمَرُ الْخَلِيلِ عَشْرِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ يَذَرِي بِيَهُ ثُمَّ يَغِيبُ غَيْبَةً فِي الدَّهْرِ وَيُظْهِرُ فِي صُورَةٍ شَابٍ مُوفِقٍ ابْنِ اثْنَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً حَتَّى تَرْجِعَ عَنْهُ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا.

۲. أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَ التَّنْوِيَةَ أَمَا وَ اللَّهُ لَيُعَيِّنَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ ذَهْرِكُمْ وَ لَتَمَخَّضَنَّ حَتَّى يَقَالَ مَاتَ قَتِيلَ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ وَ لَتَذْمَعَنَّ عَلَيْهِ غَيُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَتُكْفَوْنَ كَمَا تُكْفَى السُّنُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَبَدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ لَتُرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَابِعَةً مُشْتَبِهَةً لَا يَذَرِي أَى مِنْ أَى قَالَ فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ قَالَ فَتَنَظَّرْ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَرَى هَذِهِ الشَّمْسُ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَ اللَّهُ لَأَمْرُنَا أَبِينُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ.

۳. عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لِي يَا أَبَا الْجَارُودِ إِذَا دَارَ الْفَلَكَ وَ قَالُوا مَاتَ أَوْ هَلَكَ وَ بَأَى وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ الطَّالِبُ لَهُ أَتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ تَلَيْتُ عِظَامَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَارْتَجِوهُ وَ إِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَأَثُوهُ وَ لَوْ حَبُوا عَلَى التَّلَجِّ.

قائم عَلَيْهِ السَّلَام به میان آمد فرمود: هنگامی که آن حضرت قیام می کند مردم می گویند این چگونه شدنی است و حال آن که چندان و چندان سال است که استخوان هایش پوسیده شده است (همان).^۱

نتیجه‌گیری

هر حکومت دینی برای استقرار خود با یک سری مشقات و دشواری‌هایی روبرو است. هرچه گستره حکومت بیشتر باشد طبیعتاً چالش‌هایش بیشتر و دشوارتر می‌شود. بر اساس روایات اتفاقاتی، جامعه زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دچار چالش‌های فراوانی نموده، بعضی از این چالش‌ها نقش راهبردی دارد که باعث اخلاص در نظام حضرت می‌شود. این چالش‌ها توسط حضرات معصوم علیهم السلام تذکر داده شدند. در لابه‌لای آیات قرآن کریم آیاتی وجود دارد که ائمه عظام این آیات را به این چالش‌های آن دوره، تأویل برده‌اند؛ هرچند مفسران محترم اهل سنت در قالب اشراط الساعة و کلمات مشترک شیعه در ذیل آیات، چالش‌های فراوان دیگری را مطرح کرده‌اند؛ اما چالشی که هم از نظر دشواری، اهمیت در آخرالزمان و دارای روایتی باشد که آیه قرآن را به آن حوادث چالش تأویل ببرد، سه حادثه است:

حادثه اول: خروج سفیانی است که در ذیل ۱۱ آیه (سوره شعرا: ۴ و سوره نساء: ۴۷ و سوره شوری: ۲ و سوره فتح: ۲ و سوره نحل: ۴۶، ۴۵، ۳۸ و سوره اسراء: ۶ و سوره توبه: ۳۳ و سوره صف: ۹ و سوره یس: ۳۴) آمده است که به تناسب ائمه علیهم السلام ذیل این آیات مخاطرات سفیانی را مطرح کرده‌اند.

حادثه دوم: خروج دجال است هرچند دجال در علامات پنج‌گانه امام صادق علیه السلام نیامده است؛ اما در بعضی از روایات به عنوان محتوم ذکر شده است، این مسئله در ذیل ۵ آیه (سوره اعلی: ۳، ۲ و سوره سجده: ۲۱، سوره نازعات: ۲۴ و سوره انعام: ۳۷) و همین‌طور قسمت فضائل سوره کهف آمده است.

حادثه سوم: غیبت طولانی و ظهور با چهره جوانی چهل ساله امام را در ابتدای ظهور به چالش می‌کشاند، به طوری که منکر ایشان می‌شود و از او فاصله می‌گیرند در روایات فراوانی به این چالش اشاره شده است؛ اما روایتی که این مسئله را به آیه ایاز آیات قرآن تأویل ببرد، فقط آیه ۶ سوره اسراء است.

دانستن این چالش‌ها خصوصاً مواردی که به وسیله روایات به آیات مستند می‌شود، برای مسلمان دوازده امامی بسیار لازم و ضروری است و می‌تواند درک و آمادگی منتظر را در رویارویی با حوادث آخرالزمان آماده‌تر کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرّسین.
۳. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر (۱۴۱۶ق)، *الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر* عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصفهان: مؤسسه صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *التشريف باليمن فی التعريف بالفتن*، اصفهان: گلپهار.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، *تفسير القرآن العظيم* (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۹ق)، *لسان العرب*، بیروت: نشر دارصادر.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتاب العربی، اول.
۸. إربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة* عليه السلام، تبریز: بنی هاشمی.
۹. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
۱۰. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت، اول.
۱۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۲۲ق)، *غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الإمام*، تحقیق: سیدعلی عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۳. تاج الدین، مهدی (۱۴۳۷ق)، *المجالس المهدویة*، قم: مؤسسه المكتبة الحیدریة.
۱۴. ترمذی، الحافظ ابی عیسی محمد بن عیسی بن سورة (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دوم.
۱۵. توفیقی، حسین (۱۳۷۸ش)، *هزاره گرایسی در فلسفه تاریخ مسیحیت*، بی جا: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الكشف والبيان عن تفسیر القرآن*،

- بیروت: دار إحياء التراث العربی، اول.
۱۷. ثمالی، ثابت بن دینار ابو حمزه (۱۴۲۰ق)، *تفسير القرآن الكريم (ثمالی)*، بیروت: دارالمفید، اول.
۱۸. جوینی خراسانی، علی بن محمد (۱۴۰۰ق)، *فرائد السمطين*، قم: مؤسسه محمودی.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، تحقیق و إشراف: محمد بن محمد الحسین القائینی، قم: نغین.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق)، *الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، نگارش: مشتاق مظفر، قم: دلیل ما.
۲۱. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة*، قم: انتشارات جامعه مدرسين.
۲۲. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، *روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۲۳. حلی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰ش)، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة، اول.
۲۴. حمویی جوینی، ابراهیم بن محمد؛ محمودی، محمد باقر (۱۳۹۸ش)، *فرائد السمطين*، بیروت: مؤسسة محمودی.
۲۵. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسة آل البيت.
۲۶. دلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب*، بی جا: انتشارات شریف رضی.
۲۷. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخراج والخراج*، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۸. روحانی نجف آبادی، علی (۱۳۹۵ق)، *تفسير الفرقان فی تفسير القرآن*، نجف: جامعة النجف الدينية.
۲۹. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ق)، *سنن ابن داود*، بیروت: دارالفکر.
۳۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسير المأثور*، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۳۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، مقدمه: شهاب الدین مرعشی نجفی، قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۲. شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *نهج البیان عن كشف معانی القرآن*، قم: نشر الهادی، اول.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق)، *منتخب الاثر*، قم: مدرسة سيادة المعصومة عليها السلام.

۳۴. صدر، سید محمد (۱۴۰۲ق)، تاریخ غیبت کبری، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین (ع).
۳۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر (طبرانی)، اردن: دارالکتاب الثقافی.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۱ق)، إعلام الوری، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۸. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد مقدس: نشر مرتضی.
۳۹. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر رستم (۱۳۸۳ش)، دلائل الإمامة، قم: دارالذخائر للمطبوعات.
۴۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر رستم (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، اول.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۳۸۹ش)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۴۱۱ق)، النبیة، محققین: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، اول.
۴۳. عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم إلى مستحق التقدیم، نجف: بی نا، اول.
۴۴. علیا نسب، سید ضیاء الدین؛ نبوی، سید مجید (۱۳۹۹ش)، «بررسی تطبیقی مشخصات سفیانی در روایات فریقین»، پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، سال هفتم، شماره ۱۳.
۴۵. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر (المعروف به تفسیر العیاشی)، تهران: چاپخانه علمیه.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن معروف به تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، اول.
۴۷. قشیری، مسلم بن الحجاج (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. قمی مشهدی، میرزا محمد (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ

- و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۵۰. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية تهران.
۵۱. متقی هندی، علاء الدین بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، ضبط و تفسیر: شیخ بکری حیانی، تصحیح و فهرسة: شیخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۵۳. مروزی، ابی عبدالله نعیم بن حماد (۱۴۱۴ق)، *الفتن*، تحقیق و تقدیم: دکتر سہیل زکار، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر و التوزيع.
۵۴. معین، محمد (۱۳۶۴ش)، *فرہنگ فارسی*، تهران: سپهر، ششم.
۵۵. مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۵۶. مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*، قم: انتشارات کنگره جهانی مفید.
۵۷. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، تحقیق: عبدالفتاح محمد حلو، تصحیح: علی نظری منفرد، قم: مسجد جمکران.
۵۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی علی بن عبدالعزیز (۱۴۱۶ق)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، اول.
۵۹. ملا حویش، عبدالقادر آل غازی (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*، دمشق: مطبعة الترقی، اول.
۶۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیة*، تهران: مكتبة الصدوق.
۶۱. نیلی نجفی، بهاء الدین علی بن عبدالکریم (۱۴۲۶ق)، *سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان* عجل الله تعالی فرجه الشرف، قم: بی نا، اول.
۶۲. هلالی کوفی، سلیم بن قیس (۱۴۱۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، قم: انتشارات الہادی.
۶۳. یزدی حایری، علی (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب* عجل الله تعالی فرجه الشرف، بیروت: مؤسسة الأعلمی، اول.